

ضوابط حاکم بر تعدد خواهان در دعوی مدنی

فاطمه حاتمی^۱، علی تقی پوریان گیلانی^۲

شماره ۵۲

دوره ۱۲

سال پنجم

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۲۰

چکیده

این پژوهش باهدف ضوابط حاکم بر تعدد خواهان در دعوی مدنی انجام شده است. روش مورد استفاده در این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده است. در این پژوهش تجزیه تحلیل اطلاعات به روش نظری و با استفاده از متون حقوقی به صورت تطبیقی اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد در فرض تعدد اصحاب بالقوه دعوا، مسائل ظریفی از منظر حقوق دادرسی قابل طرح است که می‌تواند ورود دادرس به ماهیت دعوا را با چالش قانونی مواجه کند. در فرض وجود رابطه تضامن میان خواهان‌ها، هر یک از آنان می‌تواند منفرداً علیه خواننده دادخواهی نماید. در صورت فقدان رابطه تضامن، قابلیت تجزیه خواسته در امکان یا عدم امکان دادخواهی افرادی خواهان‌ها نقش تعیین‌کننده دارد و ملاک ورود یا عدم ورود دادرس به ماهیت دعواست. در حقوق ایران اشخاص متعدد دارای مسائل حکمی و موضوعی یکسان یا مشترک نمی‌توانند در یک دادخواست علیه خواننده مشترک اقامه دعوا نمایند. اما در حقوق آمریکا چنین سازوکاری با عنوان توأم شدن اختیاری یا اجباری خواهان‌ها و خوانندگان پیش‌بینی شده است. فقدان چنین نهادی در حقوق ایران ناکارآمدی، اتلاف منابع و گاه مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی را در پی دارد. در فرض تعدد خواننده و مسئولیت تضامنی آنان، خواهان می‌تواند علیه همه یا برخی از ایشان دادخواهی کند. اما در صورت فقدان مسئولیت تضامنی، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته ملاک جواز یا عدم جواز دادخواهی علیه بعضی از خوانندگان است. همچنین هرگاه در یک دعوی بالقوه خواهان‌ها و خوانندگان متعدد باشند، برحسب رابطه تضامن میان خواهان‌ها و خوانندگان و فقدان تضامن میان ایشان و قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته، فروض مختلفی قابل ترسیم است که تابع احکام قانونی متفاوتی خواهند بود.

کلمات کلیدی: تعدد خواهان، دعوی مدنی، حقوق ایران.

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت‌الله امین، آمل، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران

به طور معمول در دعاوی حقوقی، یک خواهان دعوایی علیه خواننده اقامه می‌کند به همین دلیل قسمت عمده قواعد دادرسی در مورد دعاوی تک خواهان است. اما در مواردی ممکن است طرفین بالقوه اختلاف بیش از یک شخص باشند. ممکن است که افراد متعددی با استناد بر قراردادهایی مستقل و جداگانه اما با موضوعی یکسان و واحد و هم‌چنین بطرفیت شخصی مستقل و معین، بخواهند در مقام خواهان دعوا، طرح دعوا نمایند در این صورت با افرادی مواجه هستیم که هر یک بنا بر قراردادی جداگانه، مطالباتی را بر ذمه و عهده شخص ثالثی، خواستار می‌باشند (محقق حلی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۵۲۱).

بدین معنا که از یک طرف اشخاصی که حقشان تضییع یا انکار شده بیش از یکی هستند و از طرف دیگر ممکن است خوانندگان بالقوه متعدد بوده یا هر دو طرف دعوا اعم از خواهان و خواننده متعدد باشند. در تمام فرض سه‌گانه، مسائل جالبی از منظر حقوق دادرسی قابل تصور است که باید وضعیت آن با توجه به احکام قانونی مشخص گردد. باید دید در فرض تعدد خواهان‌های بالقوه، آیا همه باید دادخواهی کنند یا دادخواهی جمعی آنان ضرورت ندارد و هر یک مستقلاً می‌توانند برای کل خواسته یا به نسبت سهم خود طرح دعوا کنند. در صورت فقدان رابطه تضامن، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته در امکان یا عدم امکان دادخواهی انفرادی خواهان‌ها نقش تعیین‌کننده دارد و ملاک ورود یا عدم ورود دادرسی به ماهیت دعواست. در حقوق ایران اشخاص متعدد دارای مسائل حکمی و موضوعی یکسان یا مشترک نمی‌توانند در یک دادخواست علیه خواننده مشترک اقامه دعوا نمایند (شهید ثانی، ۱۳۷۶: ۹۳).

به موجب قاعده ۲۰ گاه طرح دعاوی متعدد به وسیله خواهان‌ها، به صلاحدید خود آنان واگذار شده و به همین دلیل از آن به توأم شدن اختیاری خواهان‌ها تعبیر می‌گردد. اما گاهی لزوم دادخواهی جمعی خارج از اختیار آنان بوده، سخن از توأم کردن اجباری ایشان در میان است. رویکردی عمدتاً اثباتی داشته و به تبیین وضعیت موجود می‌پردازد، از رویکرد هنجاری هم غافل نبوده، ضمن آسیب‌شناسی قواعد حاکم بر این موضوع، درصدد ارائه بایدهای برای حقوق ایران است تا در اصلاحات آتی قواعد دادرسی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

خواهان یا مدعی در علم حقوق شخصی (حقوقی یا حقیقی) است که خواسته خود را در دادگاه علیه خواننده طلب می‌کند. در صورت لزوم دادخواهی جمعی، دادگاه در مورد دعاوی انفرادی آنان باید چه تصمیمی اتخاذ نماید؟ اصولاً وجود رابطه تضامن میان خواهان‌ها و نیز قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته در این موارد چه نقشی دارد و تأثیر آن بر تصمیماتی که کند، چیست؟ همچنین اگر چند شخص علیه خواننده یا خوانندگان مشترک، ادعاهای یکسانی داشته باشند بدون اینکه ارتباطی بین آنان باشد، آیا می‌توانند به موجب یک دادخواست طرح دعوا نمایند یا تقدیم دادخواست‌های مجزا اجتناب‌ناپذیر است؟

برای مثال فرض کنید کارخانه‌ای در یک شهرستان به موجب قراردادهای کاملاً مشابه، صد دستگاه خودرو، به صد نفر از اهالی آن شهرستان می‌فروشد. متعهد خودروها را در تاریخ مقرر به خریداران تحویل نداده، سه ماه تأخیر دارد. اگر خریداران به جهت تأخیر متعهد در ایفای تعهد، در صدد مطالبه وجه التزام مقرر در قرارداد برآیند، آیا باید هریک به‌موجب یک دادخواست جداگانه دادخواهی نمایند یا می‌توانند به‌صورت جمعی در یک دادخواست اقامه دعوا کنند؟ اساساً آیا در قواعد دادرسی مدنی ایران، سازوکاری برای این وضعیت پیش‌بینی شده یا باید آن را تابع عمومات آیین دادرسی شمرد؟ به‌علاوه، آیا از منظر علم اقتصاد و کارآیی، می‌توان توجیهی برای لزوم تقدیم دادخواست‌های جداگانه و طرح دعاوی متعدد یافت؟ در قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی آمریکا، تومم شدن خواهان‌ها پیش‌بینی گردیده است (قواعد ۱۹ و ۲۰ از قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی).

نگاه آسیب شناسانه به قواعد شکلی موصوف در حقوق ایران مطالعه تطبیقی را در این زمینه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و به همین دلیل در نوشتار حاضر چنین رویکردی دنبال خواهد شد. همچنین اگر خوانندگان بالقوه متعدد باشند، آیا خواهان باید علیه همه آنان اقامه دعوا نماید یا می‌تواند علیه بعضی از آنان برای همه یا قسمتی از خواسته دادخواهی کند؟ مسئولیت تضامنی خوانندگان و قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته چه نقشی در این خصوص ایفا می‌کند؟ بدین ترتیب این نوشتار در صدد است تا ضمن تبیین احکام قانونی ناظر بر فرض تعدد طرفین دعوا، برخی خلأهای حقوق ایران را مورد بررسی قرار دهد تا شاید در اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی مورد توجه واقع شود. با توجه به مطالب فوق پژوهشگر به دنبال پاسخ به این پرسش است که ضوابط حاکم بر تعدد خواهان در دعوای مدنی چیست؟

۱- تعدد خواهان‌ها

ممکن است خواهان بیش از یک شخص باشد. در این صورت هرگاه همه آنان تصمیم بگیرند دادخواهی کنند و نامشان در دادخواست قید گردد، مشکلی بروز نمی‌کند و از این جهت فرقی با فرض واحد بودن خواهان ندارد. اما اگر صرفاً بعضی از آنان دادخواهی کنند، بسته به اینکه رابطه تضامن بین آنان وجود داشته باشد یا نه و در فرض اخیر خواسته قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه باشد، احکام متفاوتی بر آن بار می‌گردد. زیرا در هر دادرسی، تنها می‌توان نسبت به اشخاصی رأی صادر کرد که طرف دعوا باشند و در نتیجه هرگاه دعوایی مطرح گردد که تمام اشخاص ذی‌نفع در دادرسی، به علت عدم دادخواهی له یا علیه ایشان، امکان حضور در آن نداشته باشند، نمی‌توان آن دادرسی را منطبق با موازین حقوقی دانست.

۱-۱- تضامن خواهان‌ها

هرگاه میان خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته باشد، همه یا بعضی از آنان می‌توانند علیه خواننده دادخواهی نمایند، اعم از اینکه خواسته قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه باشد. چنان‌که اگر در قراردادی وجود رابطه تضامن میان طلبکاران شرط شود، هر یک از آنان می‌تواند علیه خواننده دادخواهی نموده، محکومیت او را از دادگاه

بخواید. برای مثال اگر دو نفر یک واحد آپارتمان خریداری نمایند و به علت مسافرت‌های متعدد هریک از آنان به خارج کشور، به‌طور معمول نتوانند همزمان در ایران باشند، ممکن است در قرارداد شرط کنند که هریک از آنان می‌تواند تسلیم مبیع را از فروشنده مطالبه نماید، در این فرض قبض مبیع به‌وسیله هر خریدار، علاوه بر تصرف مادی سهم خود، تصرف سهم شریک دیگر را هم در پی دارد و لذا اگر دادگاه درصدد رسیدگی ماهوی و صدور حکم برآید باید قاعداً هر دو خریدار دادخواهی نمایند، اما به علت درج شرط تضامن آنان در قرارداد، هریک می‌تواند تسلیم مبیع را از فروشنده مطالبه کند.

۱-۲- فقدان رابطه تضامن میان خواهان‌ها

حال باید فرض فقدان رابطه تضامن میان خواهان‌ها و تأثیر آن بر لزوم یا عدم لزوم دادخواهی جمعی ایشان را بررسی نمود؛ نظر به اینکه در این فرض، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته در استنباط احکام قانونی نقش بنیادین دارد، لذا مباحث را در دو فرض مستقل بررسی می‌کنیم.

قابل تجزیه بودن خواسته خواهان‌ها

اگر خواسته قابل تجزیه باشد، هر خواهان می‌تواند نسبت به سهم خود دادخواهی نماید و حضور دیگر خواهان‌ها در دادرسی ضروری نیست. برای مثال اگر سه تن به‌موجب قراردادی یک باب مغازه از یک نفر خریداری نمایند و بعداً شخصی به ولایت از یکی از خریداران ادعا کند، معامله نسبت به مولی‌علیه به علت مجنون بودن او در زمان معامله باطل بوده و دو خریدار دیگر نیز مدعی باشند معامله نسبت به آنان اکراهی بوده و ایشان آن را رد نموده و درصدد طرح دعوای اعلام بطلان معامله باشند، ولی محجور می‌تواند به‌تنهایی از جانب مولی‌علیه طرح دعوا نماید و اعلام بطلان معامله را نسبت به سهم او درخواست کند؛ زیرا خواسته، قابل تجزیه است و علت بطلان معامله نسبت به هریک از خواهان‌ها، کاملاً جنبه شخصی دارد. این وضعیت در مورد دیگر خواهان‌ها هم، صادق است. (پور استاد، اقبال اسگویی، ۱۳۹۶، ۴۹۹).

قابلیت تجزیه خواسته خواهان‌ها

برخی معتقدند در حقوق ایران دعوای غیرقابل تجزیه نسبت به خواهان‌ها قابل تصور نیست و بنابراین در صورت تعدد خواهان‌ها، دادخواهی جمعی ایشان لازم نیست؛ بلکه هریک می‌توانند منفرداً اقامه دعوا نمایند (احمدی، ۱۳۹۳، ۱۸-۱۹) اما به نظر می‌رسد عدم قابلیت تجزیه خواسته نسبت به خواهان‌ها قانوناً متصور است و چون در این صورت اتخاذ تصمیم در دادرسی در خصوص همه خواهان‌ها اجتناب‌ناپذیر است، باید همه دادخواهی نمایند و نامشان در دادخواست بیاید و الاً علی‌الاصول رسیدگی به دعوا قانوناً ممتنع بوده، با قرار عدم استماع روبرو می‌گردد به این دلیل اگر در مثال فوق یکی از سه خریدار مدعی باشد معامله به علت نامشروع بودن جهت و تصریح به آن یا مالیت نداشتن مورد معامله باطل است، خواسته قابل تجزیه نیست؛ زیرا بنابر ادعای خواهان کل معامله باطل است و لاجرم قاضی باید نسبت به همه خواهان‌ها (خریداران) اقدام

به صدور رأی نماید؛ به عبارت دیگر اگر قاضی دعوی خواهان را وارد دانسته، به علت نامشروع بودن جهت یا مالیت نداشتن مورد معامله، حکم به بطلان آن دهد، نه تنها نسبت به خواهان فعلی، بلکه نسبت به دو خواهان بالقوه دیگر هم، رأی داده و بدیهی است بدون حضور آنان در دادرسی، چنین تصمیمی قانونی نیست. در نتیجه اگر هر سه دادخواهی نکنند و نامشان در دادخواست قید نشده باشد، نمی‌توان به چنین دعوی رسیدگی نمود. همین وضعیت در فرضی صادق است که یکی از خریداران مدعی انفساخ معامله بوده، اعلام کند قرارداد به دلیل تحقق شرط فاسخی که در قرارداد مورد توافق طرفین قرار گرفته منحل شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۳).

دعوی خواهان‌های متعدد علیه خوانده یا خواندگان مشترک

در بسیاری از موارد ممکن است اشخاص متعدد با خواسته یکسان (یا مشابه) درصدد دادخواهی علیه یک خوانده یا خواندگان مشترک باشند اما ادعای آنان ارتباطی باهم ندارد؛ اعم از اینکه منشأ دعوی آنان واحد یا متفاوت باشد. برای مثال فرض کنید ده نفر به موجب قراردادهای مجزا از یک پیش‌فروشنده ده واحد آپارتمان خریداری نموده‌اند و فروشنده در موعد مقرر از حضور در دفترخانه و تنظیم سند رسمی به نام آنان خودداری می‌کند. مفاد قراردادهای خریداران با پیش‌رونده دقیقاً یکسان بوده، فرقی باهم ندارند. به علاوه خوانده هم در تمام دعوی مشترک است؛ بنابراین تمام خریداران ادعاهای مشابهی علیه خوانده یا خواندگان مشترک دارند. حال باید دید آیا آنان می‌توانند در یک دادخواست طرح دعوا کنند تا به یک شعبه ارجاع شود و با توجه به وجود جهات حکمی و موضوعی واحد، سرنوشت یکسانی برایشان رقم بخورد. در ماده ۳۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری چنین نهادی پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود. اما در نظام دادرسی مدنی ایران هرچند در عمل دادگاه‌ها کمتر به جمع چند خواهان در یک دادخواست ایراد گرفته‌اند اما با توجه به اصل استقلال دعوی، پاسخ این پرسش قانوناً منفی است و (سیفی، ۱۳۸۴، ۲۷۱) هر خریدار باید به موجب دادخواست جداگانه دعوی مستقلی علیه عهدشکن اقامه کند و تجمیع دعوی آنان در یک دادخواست منتفی است. در نتیجه هریک باید هزینه دادرسی جداگانه بپردازند، در صورت لزوم ارجاع به کارشناس، برای هر پرونده کارشناس یا کارشناسان جداگانه انتخاب و هزینه آن پرداخت گردد، وقت ده شعبه دادگاه صرف رسیدگی به دعوی کاملاً یکسان گردد یا حتی در صورت ارجاع همه دعوی به یک شعبه برای هر دعوا وقت جداگانه تعیین گردد و بدتر از همه اینکه ممکن است آرای دادگاه‌ها و حتی یک دادگاه در دعوی متعدد باهم فرق داشته باشد بدون آنکه جهات حکمی یا موضوعی دعوا متفاوت باشد، در این صورت آیا جز مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی نتیجه دیگری عاید خواهد شد؟ اساساً چرا نباید قواعد دادرسی در چنین فرضی

به خواهان‌ها اجازه دهند ضمن پرداخت هزینه دادرسی قانونی، دعاوی متعدد را در یک دادخواست مطرح نمایند. در آن صورت آنان می‌توانند در میزان هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند، زیرا در صورت لزوم تعیین کارشناس، تنها یک کارشناس تعیین می‌گردد و در صورت اعتراض اصحاب دعوا به نظر او، موضوع به هیأت کارشناسان ارجاع می‌گردد نه اینکه در هر دعوا پای کارشناس و هیئت‌های کارشناسی متعدد به میان آید. به علاوه خواهان‌ها می‌توانند وکیلی برای خود انتخاب و هزینه‌های آن را میان خود تقسیم کنند. از طرف دیگر صرف این هزینه‌ها، سودی هم برای جامعه در پی ندارد و از منظر کلان، توجیه منطقی و اقتصادی ندارد.

در قواعد ۱۹ و ۲۰ از قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی آمریکا، نهادی با عنوان تجمیع (توام شدن یا توأم کردن) خواهان‌ها پیش‌بینی شده که ممکن است اختیاری باشد و خواهان‌ها شخصاً تصمیم بگیرند باهم دادخواهی کنند یا توأم شدنشان اجباری بوده، دادگاه آنان را قهراً باهم توأم نماید. در فرض توأم شدن اجباری (قاعده ۱۹)، بحث خواهان ضروری و خواهان اجتناب‌ناپذیر به میان می‌آید که عدم حضور آنان، ممکن است منجر به رد دعوی خواهان گردد. به‌طورکلی هرگاه دادگاه نتواند بدون حضور شخصی به دعوا رسیدگی کند، حضور او الزامی و در نتیجه تجمیع خواهان‌ها (و حتی خواندگان) اجباری است قاعده ۲۰ احکام مربوط به توأم شدن اختیاری خواهان‌ها را بیان کرده است. برابر این قاعده اشخاصی که منشأ دعاوی‌شان واحد و دارای مسائل حکمی یا موضوعی مشترکی هستند، می‌توانند به‌عنوان خواهان در دادرسی حضور داشته باشند و لازم نیست هریک با تقدیم دادخواست‌های جداگانه به دادگاه‌های بعضاً مختلف، در پی رسیدن به مراد خود بر آیند. (پور استاد، اقبال اسگویی، ۱۳۹۶، ۴۹۹).

۲- فواید طرح دعاوی خواهان‌های متعدد در یک دادخواست

ذیل سه بند به فواید طرح دعاوی خواهان‌های متعدد در یک دادخواست می‌پردازیم.

۲-۱- صرفه‌جویی در هزینه‌های طرفین از طریق به اشتراک گذاردن منابع

دادخواهی هزینه‌های مختلفی از قبیل هزینه دادرسی، دستمزد کارشناس، دستمزد وکیل و غیره برای خواهان در بردارد. لذا اگر وی خواستار ارجاع موضوع به کارشناس باشد (یا دادگاه ارجاع آن را به کارشناس لازم بداند)، خواهان باید هزینه موصوف را بپردازد و گاه ممکن است در نتیجه اعتراض به نظر کارشناس، موضوع به هیئت کارشناسان چند نفره ارجاع گردد و لازم باشد آنان درباره موضوع نظر دهند. بدیهی است اگر خواهان به نظر کارشناس معترض باشد، باید تمام این هزینه‌ها را بپردازد. همچنین اگر وی بخواهد با وکیلی برای پیگیری دعوا قرارداد منعقد نماید، باید شخصاً عهده‌دار هزینه‌های آن گردد. از یک طرف لزوم صرف چنین هزینه‌هایی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در دادخواهی خواهان عمل کند و از طرف دیگر، عدم دادخواهی ایشان موجب جری‌تر شدن خوانده خواهد شد. به‌علاوه صرف چنین هزینه‌هایی از جانب خواهان‌های متعدد، اجتناب‌ناپذیر نیست و می‌توان در تمام دعاوی اظهارنظر در مورد موضوع دعوا را به یک

یا چند کارشناس ارجاع داد و لازم نیست در هر دعوا نظر کارشناسان تکرار گردد. همچنین خواهان‌ها می‌توانند وکیل یا وکلای مشترک داشته، هزینه دستمزد آنان را بین خود سرشکن کنند.

۲-۲- استفاده بهینه از منابع دادگستری (و جامعه)

جامعه و طبیعتاً دادگستری دارای منابع محدودی است که نباید بیهوده آن را هدر داد. یکی از مشکلات قابل توجه دستگاه قضایی در کشور ما تعداد زیاد دعاوی‌ای است که هم‌روزه در دادگاه‌ها طرح می‌گردد و به نظر می‌رسد ناکارآمدی قوانین شکلی یکی از علل عمده آن است. در واقع اگر قوانین مطلوبی از سوی مقنن وضع می‌گردید چه‌بسا از حجم دعاوی تا حد زیادی کاسته می‌شد و طرح انبوه دعاوی، دادگاه‌ها را در مرز انفجار قرار نمی‌داد. گذشته از فقدان قدرت بازداندگی لازم در قوانین موضوعه، به نظر می‌رسد قواعد دادرسی در حقوق ایران بسیار کلاسیک مانده‌اند و تحولات روز دنیا اثری در آن‌ها نداشته است. نیک پیداست اگر در جامعه‌ای قواعد حقوقی ناکارآمد باشند، پیشرفت اقتصادی آن بعید است، زیرا قوانین ناکارآمد، می‌توانند منابع جامعه را به‌طور کامل هدر دهند و خلاف هدف اولیه خود، عمل کنند. هر دعوایی، وقت اشخاص مختلف دولتی اعم از معاون ارجاع، قاضی، مدیر دفتر، منشی دادگاه، دادورز، مأمور ابلاغ و غیره را می‌گیرد. در عین حال باید برای هر پرونده، اوراق متعدد شامل صورت جلسه، برگ اختاریه، برگ دادخواست، پوشه و غیره مورد استفاده قرار گیرد که هیچ‌یک از آن‌ها بدون هزینه نیست. با وجود راه‌های جایگزین کم‌هزینه‌تر، پذیرش چنین وضعیتی از منظر عقلی و اقتصادی دشوار است، زیرا می‌توان با صرف هزینه‌های اداری به مراتب کمتر، به نتیجه‌ای مشابه و حتی بهتر دست یافت (در بند بعد دلیل بهتر بودن نتایج تشریح می‌شود). چراکه اگر دعاوی ده خواهان در یک دادخواست بیان شود، تنها در یک شعبه مورد رسیدگی قرار گرفته، در نتیجه صرفاً یک پرونده تشکیل می‌شود که در مقایسه با پرونده‌های متعدد، به پوشه، برگ صورت جلسه و برگ اختاریه کمتری (تنها برای یک پرونده به خواننده اختاریه ارسال می‌گردد نه ده مورد) نیاز خواهد بود و تنها یک قاضی، منشی، مدیر دفتر، دادورز و غیره درگیر آن می‌شوند، به علاوه اگر ده‌ها کارشناس در مورد یک موضوع در دعاوی متعدد اظهار نظر کنند، چه نتیجه مثبتی عاید جامعه خواهد شد؟ بر مجریان قانون پوشیده نیست که رسیدگی به دعاوی نیازمند اظهار نظر کارشناس و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد آن‌ها، گاهی سال‌ها به طول می‌انجامد و در واقع لزوم اظهار نظر کارشناس خود یکی از عوامل اصلی طولانی شدن زمان دادرسی است، بنابراین باید تا حد لزوم سعی در کاهش تعداد پرونده‌ها نمود تا برای هر یک از دعاوی کارشناسی مجزا ضرورت نداشته باشد. لذا نهاد توأم شدن خواهان‌ها نه تنها باعث صرفه‌جویی مقیاسی در هزینه‌های آنان می‌گردد، بلکه در بعد کلان هم، مصلحت جامعه را به نحو مطلوب‌تری تأمین می‌کند و می‌توان منابع حاصل از صرفه‌جویی در هزینه‌ها را در جاهای دیگری به کار گرفت.

۲-۳- جلوگیری از صدور آرای متعارض و مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی

به طور معقول انتظار می‌رود که آرای دادگاه‌ها در مورد دعاوی دارای مسائل حکمی و موضوعی مشترک یکسان باشد. لذا در راستای دستیابی به چنین مطلوبی باید راهکارهای حقوقی لازم توسط سیاست‌گذاران اندیشیده شود تا آرای دادگاه‌ها در دعاوی مشابه، باهم فرق نداشته باشند. در غیر این صورت اسباب وهن دستگاه قضایی فراهم گردیده و اعتبار آن مخدوش می‌شود و نتیجتاً نارضایتی مردم را در پی خواهد داشت، زیرا هر عاقلی خواهد پرسید که چرا در مورد موضوعات مشابه تصمیمات متفاوتی اتخاذ می‌گردد. آیا این قضیه مصداق بارز ضرب‌المثل «یک بام و دو هوا» نیست؟ اگر در مثال فوق ده خواهان دارای وضعیت مشابه، علیه فروشنده دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی داده و دعاوی آنان به شعب متعدد ارجاع گردد، ممکن است بین آرای صادره از دادگاه‌ها تعارض وجود داشته، در یک پرونده فروشنده محکوم گردد و در دیگری خریدار، بدون اینکه جهات حکمی و موضوعی دعاوی باهم متفاوت باشد. اما اگر همه خواهان‌ها بتوانند در یک دادخواست دادخواهی کرده و پرونده واحدی برای دعاوی آنان تشکیل گردد، امکان تعارض آرا منتفی می‌گردد، در نتیجه صرف‌نظر از انطباق یا عدم انطباق رأی صادره با موازین قانونی، دست‌کم در تمام دعاوی نتیجه یکسانی برای خواهان‌ها رقم خورده، اعتبار دستگاه قضایی به جهت صدور آرای متعارض مخدوش نمی‌گردد.

۳- ضوابط حاکم بر تعدد خواهان

۳-۱- وحدت خواهان

می‌توان از نظر تعداد طرفین دعاوی حقوقی، یک مدل پایه یا ساده در نظر گرفت که به موجب آن، یک خواهان علیه یک خواننده دادخواهی و محکومیت او را از دادگاه درخواست می‌کند. قواعد دادرسی مدنی هم به طور معمول برای چنین فرضی پیش‌بینی شده‌اند و به همین دلیل می‌توان از این شیوه به عنوان سنت دادخواهی تک خواهانه یاد نمود. خواهان یا خواننده ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشند. قانون آیین دادرسی مدنی ایران جز در موارد بسیار نادر، چندان به فرض تعدد خواهان‌ها نپرداخته و تبعاً چنین فرضی در ادبیات حقوقی داخلی هم جز در برخی موارد، مورد واکاوی قرار نگرفته است. حلاً آنکه به نظر می‌رسد که یکی از خلأهای عمده قواعد دادرسی مدنی در حقوق ایران، در این بحصص نهفته است و همچنان که خواهد آمد، چه بسا قواعد فعلی نه تنها نتیجه مطلوبی در بر ندارند بلکه ممکن است علاوه بر اتلاف بی‌دلیل منابع و هدر دادن وقت شاغلان دادگستری اعم از قاضی و غیره، موجبات مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی را فراهم آورد (سیفی، ۱۳۸۴: ۳۳).

۳-۲- تعدد طرفین دعوا

برخلاف مدل ساده دادخواهی که تنها یک خواهان و یک خواننده دارد، گاهی ممکن است چند خواهان یا خواننده بلا قوه یا چندین خواهان و خواننده بلا قوه وجود داشته باشد. دلیل بلا قوه خواندن خواهان‌ها و خوانندگان آن است که احتمالاً دارد همه یا بعضی از خواهان‌ها اقدام به دادخواهی نکنند. در نتیجه آنان به صورت

بالفعل خواهان محسوب نمی‌شوند یا در صورت دادخواهی، صرفاً علیه بعضی از خواندگان دادخواهی نمایند. بنابراین اشخاصی که طرف دعوا قرار نگرفته‌اند، خوانده بالفعل نیستند. همچنین اگر در مباحص آتی از قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته سخن به میان می‌آید نه دعوا، به این دلیل است که هنوز دعوایی طرح نشده و چه بسا اصلاً اقامه هم نگردد. به‌رحال لازم است احکام قانونی فروض مختلف تبیین گردد (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

ممکن است خواهان بیش از یک شخص باشد. در این صورت هرگاه آنان همه تصمیم بگیرند دادخواهی کنند و نامشان در دادخواست قید گردد، مشکلی بروز نمی‌کند و از این جهت فرقی با فرض واحد بودن خواهان ندارد. اما اگر صرفاً بعضی از آنان دادخواهی کنند، بسته به اینکه رابطه تضامن بین آنان وجود داشته باشد یا نه و در فرض اخیر خواسته قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه باشد، احکام متفاوتی بر آن بار می‌گردد. زیرا در هر دادرسی، تنها می‌توان نسبت به اشخاصی رمی صادر کرد که طرف دعوا باشند و در نتیجه هرگاه دعوایی مطرح گردد که تمام اشخاص ذینفع در دادرسی، به علت عدم دادخواهی له یا علیه ایشان، امکان حضور در آن نداشته باشند، نمی‌توان آن دادرسی را منطبق با موازین حقوقی دانست.

هرگاه میان خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته باشد، همه یا بعضی از آنان می‌توانند علیه خوانده دادخواهی نمایند، اعم از اینکه خواسته قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه باشد. چنان‌که اگر در قراردادی وجود رابطه تضامن میان طلبکاران شرط شود، هر یک از آنان می‌توانند علیه خوانده دادخواهی نموده، محکومیت او را از دادگاه بخواهند. برای مثال اگر دو نفر یک واحد آپارتمان خریداری نمایند و به علت مسافرت‌های متعدد هریک از آنان به خارج کشور، به‌طور معمول نتوانند همزمان در ایران باشند، ممکن است در قرارداد شرط کنند که هریک از آنان می‌توانند تسلیم مبیع را از فروشنده مطالبه نمایند، در این فرض قبض مبیع به وسیله هر خریدار، علاوه بر تصرف مادی سهم خود، تصرف سهم شریک دیگر را هم در پی دارد و لذا اگر دادگاه درصدد رسیدگی ماهوی و صدور حکم برآید باید قاعداً هر دو خریدار دادخواهی نمایند، اما به علت درج شرط تضامن آنان در قرارداد، هریک می‌توانند تسلیم مبیع را از فروشنده مطالبه کنند (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶).

۳-۳- توقف فعل زیانبار

در مواردی میان خواهان رابطه‌ها تضامن وجود ندارد اما در صورت دادخواهی موفقیت‌ها هم آمیز هریک از آنان و محکومیت خوانده، حکم صادره به دیگر خواهان سود می‌رساند. برای مثالاً اگر پنج شخص ملاک ملکی باشند که دیگری آن را غصب نموده، هریک از ملاکین می‌توانند منفرداً علیه غاصب موصوف اقامه دعوا نموده اخراج او را از کل ملک بخواهند. در این فرض دادگاه نمی‌تواند به علت فقدان رابطه تضامن میان ملاکان ملک، دعوا را قابل استماع نداند زیرا خوانده با استیلائی غیرقانونی بر ملک غیر، فعل نامشروعی انجام داده که جزء آن ملا را در تصرف خود گرفته و خواهان، متوقف شدن آن فعل را نسبت به سهم خود درخواست می‌کند. در عین حلا اجابت خواسته او با خلع ید خوانده از تمام ملک ملازمه دارد و در نتیجه

دیگر شرکا هم (خواهان‌های بلا قوه) از آن بهره‌مند می‌شوند. بدیهی است خلع ید خواننده با تصرف خواهان در ملک مشا ملازمه ندارد و تصرف ملاکان ملک مشا (از جمله خواهان) در آن، تابع احکام مربوط به تصرف در مال مشاع است (ماده ۴۳ ق.ا.ا.م).

۳-۴- قابل تجزیه بودن خواسته خواهان‌ها

اگر خواسته قابل تجزیه باشد، هر خواهان می‌تواند نسبت به سهم خود دادخواهی نماید و حضور دیگر خواهان‌ها در دادرسی ضروری نیست. برای مثال اگر سه تن به موجب قراردادی یک باب مغازه از یک نفر خریداری نمایند و بعداً شخصی به ولایت از یکی از خریداران ادعا کند، معامله نسبت به مولی‌علیه به علت مجنون بودن او در زمان معامله باطل بوده و دو خریدار دیگر نیز مدعی باشند معامله نسبت به آنان اکراهی بوده و ایشان آن را رد نموده و در صدد طرح دعوی اعلام بطلان معامله باشند، ولی محجور می‌تواند به تنهایی از جانب مولی‌علیه طرح دعوا نماید و اعلام بطلان معامله را نسبت به سهم او درخواست کند زیرا خواسته، قابل تجزیه است و علت بطلان معامله نسبت به هریک از خواهان‌ها، کاملاً جنبه شخصی دارد. این وضعیت در مورد دیگر خواهان‌ها هم، صادق است.

برخی معتقدند در حقوق ایران دعوی غیرقابل تجزیه نسبت به خواهان‌ها قابل تصور نیست و بنابراین در صورت تعدد خواهان‌ها، دادخواهی جمعی ایشان لازم نیست بلکه هریک می‌توانند منفرداً اقامه دعوا نمایند (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۷)، اما به نظر می‌رسد عدم قابلیت تجزیه خواسته نسبت به خواهان‌ها قانوناً متصور است و چون در این صورت اتخاذ تصمیم در دادرسی در خصوص همه خواهان‌ها اجتناب‌ناپذیر است، باید همه دادخواهی نمایند و نامشان در دادخواست بیاید و الاعلی‌الاصول رسیدگی به دعوا قانوناً ممتنع بوده، با قرار عدم استماع روبرو می‌گردد. به این دلیل اگر در مثلاً فوق یکی از سه خریدار مدعی باشد معامله به علت نامشروع بودن جهت و تصریح به آن یا ملایت نداشتن مورد معامله باطل است، خواسته قابل تجزیه نیست زیرا بنابر ادعای خواهان کل معامله باطل است و لاجرم قاضی باید نسبت به همه خواهان‌ها (خریداران) اقدام به صدور رأی نماید به عبارت دیگر اگر قاضی دعوی خواهان را وارد دانسته، به علت نامشروع بودن جهت یا ملایت نداشتن مورد معامله، حکم به بطلان آن دهد، نه تنها نسبت به خواهان فعلی، بلکه نسبت به دو خواهان بلا قوه دیگر هم، رأی داده و بدیهی است بدون حضور آنان در دادرسی، چنین تصمیمی قانونی نیست. در نتیجه اگر هر سه دادخواهی نکنند و نامشان در دادخواست قید نشده باشد، نمی‌توان به چنین دعوایی رسیدگی نمود. همین وضعیت در فرضی صادق است که یکی از خریداران مدعی انفساخ معامله بوده، اعلام کند قرارداد به دلیل تحقق شرط فاسخی که در قرارداد مورد تواف طرفین قرار گرفته، منحل شده است (شهیدی، ۱۳۹۹: ۳۱).

۳-۵- دعاوی خواهان‌های متعدد علیه خواننده یا خوانندگان مشترک

در بسیاری از موارد ممکن است اشخاص متعدد با خواسته یکسان (یا مشابه) درصدد دادخواهی علیه یک خواننده یا خوانندگان مشترک باشند اما ادعای آنان ارتباطی باهم ندارد اعم از اینکه منشأ دعاوی آنان واحد یا متفاوت باشد. برای مثلاً فرض کنید ده نفر به موجب قراردادهای مجزا از یک پیش فروشنده ده واحد آپارتمان خریداری نموده‌اند و فروشنده در موعد مقرر از حضور در دفترخانه و تنظیم سند رسمی به نام آنان خودداری می‌کند. مفاد قراردادهای خریداران با پیش فروشنده دقیقاً یکسان بوده، فرقی باهم ندارند. به علاوه خواننده هم در تمام دعاوی مشترک است بنابراین تمام خریداران ادعاهای مشابهی علیه خواننده یا خوانندگان مشترک دارند. حال باید دید آیا آنان می‌توانند در یک دادخواست طرح دعوا کنند تا به یک شعبه ارجاع شود و با توجه به وجود جهات حکمی و موضوعی واحد، سرنوشت یکسانی برایشان رقم بخورد. در ماده 32 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری چنین نهادی پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطاب مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود. اما در نظام دادرسی مدنی ایران هرچند در عمل دادگاه‌ها کمتر به جمع چند خواهان در یک دادخواست ایراد گرفته‌اند اما با توجه به اصل استقلال دعاوی، پاسخ این پرسش قانوناً منفی است و هر خریدار باید به موجب دادخواست جداگانه دعوی مستقلی علیه عهدشکن اقامه کند و تجمیع دعاوی آنان در یک دادخواست منتفی است. در نتیجه هریک باید هزینه دادرسی جداگانه بپردازند، در صورت لزوم ارجاع به کارشناس، برای هر پرونده کارشناس یا کارشناسان جداگانه انتخاب و هزینه آن پرداخت گردد، وقت ده شعبه دادگاه صرف رسیدگی به دعاوی کاملاً یکسان گردد یا حتی در صورت ارجاع همه دعاوی به یک شعبه برای هر دعوا وقت جداگانه تعیین گردد و بدتر از همه اینکه ممکن است آرای دادگاه‌ها و حتی یک دادگاه در دعاوی متعدد باهم فرق داشته باشد بدون آنکه جهات حکمی یا موضوعی دعوا متفاوت باشد، در این صورت آیا جز مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی نتیجه دیگری عاید خواهد شد؟ اساساً چرا نباید قواعد دادرسی در چنین فرضی به خواهان‌ها اجازه دهند ضمن پرداخت هزینه دادرسی قانونی، دعاوی متعدد را در یک دادخواست مطرح نمایند. در آن صورت آنان می‌توانند در میزان هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند، زیرا در صورت لزوم تعیین کارشناس، تنها یک کارشناس تعیین می‌گردد و در صورت اعتراض اصحاب دعوا به نظر او، موضوع به هیأت کارشناسان ارجاع می‌گردد نه اینکه در هر دعوا پای کارشناس و هیأت‌های کارشناسی متعدد به میان آید. به علاوه خواهان‌ها می‌توانند وکیلی برای خود انتخاب و هزینه‌های آن را میان خود تقسیم کنند. از طرف دیگر صرف این هزینه‌ها، سودی هم برای جامعه در پی ندارد و از منظر کلان، توجیه منطقی و اقتصادی ندارد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

در قواعد ۱۹ و ۲۰ از قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی آمریکا، نهادی با عنوان تجمیع (توأم شدن یا توأم کردن) خواهان‌ها پیش‌بینی شده که ممکن است اختیاری باشد و خواهان‌ها شخصاً تصمیم بگیرند باهم

دادخواهی کنند یا توأم شدنشان اجباری بوده، دادگاه آنان را قهراً باهم توأم نماید. در فرض توأم شدن اجباری (قاعده ۱۹). بحث خواهان ضروری و خواهان اجتناب ناپذیر به میان می‌آید که عدم حضور آنان، ممکن است منجر به رد دعوی خواهان گردد. به‌طورکلی هرگاه دادگاه نتواند بدون حضور شخصی به دعوا رسیدگی کند، حضور او الزامی و در نتیجه تجمیع خواهان‌ها (و حتی خواندگان) اجباری است. قاعده ۲۰ احکام مربوط به توأم شدن اختیاری خواهان‌ها را بیان کرده است. برابر این قاعده اشخاصی که منشأ دعاوی‌شان واحد و دارای مسائل حکمی یا موضوعی مشترکی هستند، می‌توانند به‌عنوان خواهان در دادرسی حضور داشته باشند و لازم نیست هریک با تقدیم دادخواست‌های جداگانه به دادگاه‌های بعضاً مختلف، در پی رسیدن به مراد خود بر آیند.

۳-۶- خواندگان متضامن و غیرمتضامن

هرگاه خواندگان در برابر خواهان مسئولیت تضامنی داشته باشند، خواه یکی مدیون بوده و دیگران مسئول و یا همه آنان نسبت به بخشی از دین بدهکار و نسبت به باقیمانده مسئول باشند، طلبکار می‌تواند علیه همه یا بعضی از آنان دادخواهی نماید. برای مثال اگر دو خریدار در قرارداد بیع متعهد به پرداخت کل ثمن گردیده و متقابلاً مسئولیت تضامنی دو فروشنده هم به تحویل ماشین شرط گردیده است. خواسته خریداران مبنی بر تحویل ماشین قابل تجزیه نیست اما چون در قرارداد مسئولیت تضامنی فروشندگان شرط شده است، لذا حتی در صورت فوت یکی از آنان می‌توان بدون نیاز به دادخواهی علیه وراثت فروشنده متوفی، تسلیم مبیع را از فروشنده دیگر درخواست نمود. در مقابل اگر خریداران از پرداخت ثمن خودداری کنند، فروشندگان ح مطالبه تمام ثمن را از هریک از آنان دارند و دادخواهی علیه دو خریدار ضرورت ندارد. همچنین هر فروشنده می‌تواند صرفاً سهم خود را مطالبه نماید. البته در این زمینه نظر مخالف هم وجود دارد که مطابق آن طلبکار حق مطالبه انفرادی حتی به نسبت سهم خود و کمتر از آن را هم ندارد. برخی هم معتقدند دادخواهی هر شریک برای استیفای حق خود مجاز است زیرا اقامه دعوا تصرف حقوقی است و شرکای مال مشاع بدون نیاز به اذن دیگران می‌توانند در سهم خود تصرف کنند، اما وصول آن مستلزم تصرف مادی سهم سایر شرکا هم هست. بنابراین بدون اذن آنان، مجاز نیست (صفیان و مقدادی، ۱۴۰۰: ۲۰۹). در تضامن طولی هم، این قضیه صادق است. برابر ماده ۲۴۹ ق.ت در اسناد تجاری، همه امضاکنندگان در برابر دارنده مسئولیت تضامنی دارند (اسکینی، ۱۳۸۴: ۴۲) درعین حال دین آنان قابل تجزیه نیست و نمی‌توان از قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه دین سخن گفت، زیرا برات گیر و صادرکننده چک یا سفته، مدیون و سایر امضاکنندگان صرفاً مسئول پرداخت آن هستند و در صورت پرداخت وجه اسناد، می‌توانند به برات گیر و صادرکننده چک یا سفته رجوع نمایند. در تعاقب ایادی غاصبان متعدد هم علی‌القاعده آخرین غاصب مسئول نهایی است و غاصبان پیشین جهت تضمین حق ملاک در رسیدن به مال خود در برابر او مسئول‌اند، لذا دین (در فرض تلف عین و اشتغال ذمه غاصبین به رد بدل) تنها بر ذمه آخرین غاصب است و دیگران ملتزم به تأدیه دین ملاک بوده، در صورت

پرداخت می‌توانند به غاصب نهایی مراجعه نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳۵). در این مورد هم نمی‌توان از قابلیت تجزیه دین سخن به میان آورد زیرا غیر از غاصب نهایی، سایرین مدیون نبوده، بلکه صرفاً در برابر ملاک ملتزم به پرداخت هستند.

در مواردی خواندگان بالقوه متعددند، بدون اینکه مسئولیت ایشان در برابر خواهان تضامنی باشد. در این فرض قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته معیار ضرورت یا عدم ضرورت دادخواهی علیه همه خواندگان است که در ادامه بررسی خواهد شد.

قابل تجزیه بودن خواسته

در صورتی که خواندگان متعدد بوده، خواسته خواهان علیه آنان قابل تجزیه باشد، طرح دعوا علیه بعضی از آنان قانوناً معتبر است و اشکالی بر آن وارد نیست. در نتیجه دادخواهی علیه همه یا برخی از آنان به تصمیم خواهان بستگی دارد. برای مثالاً اگر شخصی یک دستگاه خودرو از سه نفر خریداری نماید و بعد از تحویل گرفتن آن، عیب خودرو بر وی آشکار گردد، می‌تواند نسبت به سهم همه معامله را فسخ یا از آنان مطالبه آرش کند یا نسبت به یکی از فروشندگان معامله را فسخ و از دیگران مطالبه آرش کرده یا نسبت به همه از فسخ و آرش صرف نظر نماید. بنابراین اگر خریدار تنها نسبت به یکی از فروشندگان معامله را فسخ کرده و تنفیذ آن را از دادگاه بخواهد، دادگاه تنها در مورد خواهان و خواننده اتخاذ تصمیم کرده، به هیچ وجه در مورد دیگر خواندگان نفیاً یا اثباتاً رأی صادر نخواهد کرد، زیرا به موجب ماده ۴۳۳ قانون مدنی، اگر در یک عقد بایع متعدد باشد مشتری می‌تواند سهم یکی را رد و دیگری را با اخذ آرش قبول کند. در نتیجه حضور دو فروشنده دیگر و دادخواهی خواهان علیه آنان برای رسیدگی به دعوا ضرورت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۹).

عدم قابلیت تجزیه خواسته

هرگاه خواندگان متعدد بوده، دعوی خواهان علیه آنان قابل تجزیه نباشد و دادرس ناگزیر باشد در مورد همه آنان اتخاذ تصمیم نماید، حضور تمامشان در دادرسی ضروری است. لذا خواهان باید با قید نام آنان به عنوان خواننده در دادخواست، علیه ایشان دادخواهی نماید و الا رسیدگی به دعوا قانوناً ممتنع بوده، صدور قرار عدم استماع دعوا را در پی خواهد داشت. فرضاً اگر در مثلاً فوق خریدار مدعی باشد به علت تحقق شرط فاسخ معامله منحل شده یا ولی او اعلام بطلان معامله را به علت جنون مولی علیه در زمان انعقاد قرارداد درخواست کند، اتخاذ هرگونه تصمیمی در مورد دعوا نسبت به تمام فروشندگان (خواندگان بلا قوه) مؤثر بوده و معامله را نسبت به آنان باطل، منفسخ یا صحیح اعلام می‌دارد در نتیجه موازین حقوقی و عدالت ایجاب می‌کند، امکان حضور و داشتن فرصت دفاع برای آنان در دادرسی فراهم گردد و بدون رعایت این قاعده دعوی خواهان قابل استماع نیست (صفیان و مقدادی، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

تعداد خواهان‌ها و خواندگان

در فرض تعدد خواهان‌ها و خوانندگان، می‌توان چهار فرض را از هم تفکیک کرد. اینکه بین خواهان رابطه‌ها تضامن وجود داشته و خوانندگان هم مسئولیت تضامنی داشته باشند. بین خواهان‌ها رابطه تضامنی موجود باشد اما خوانندگان فاقد مسئولیت تضامنی باشند. میان خواهان رابطه‌ها تضامنی وجود نداشته باشد اما خوانندگان متضامناً مسئول باشند. و سرانجام نه بین خواهان رابطه‌ها تضامنی وجود داشته باشد و نه گردند. خوانندگان مسئولیت دارای مسئولیت تضامنی باشند که به ترتیب بررسی می‌گردند.

تضامن خواهان‌ها و مسئولیت تضامنی خوانندگان

هرگاه چند خواهان و چند خواننده بلا قوه قابل تصور باشد، ممکن است بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته و در عین حلا خوانندگان هم در برابر آنان مسئولیت تضامنی داشته باشند. لذا همه یا بعضی از خواهان‌ها می‌توانند علیه همه یا بعضی از خوانندگان اقامه دعوا نمایند و دادخواهی جمعی خواهان‌ها علیه همه خوانندگان ضرورت ندارد. برای مثلاً دو شخص به موجب قراردادی یک قطعه باغ به دو شخص دیگر فروخته‌اند. در قرارداد تضامن میان خریداران برای قبض باغ و مسئولیت تضامنی فروشندگان به تحویل مبیع شرط گردیده است، در این صورت هریک از خریداران می‌تواند الزام هر فروشنده را به تحویل مبیع درخواست نماید و دادخواهی جمعی آنان علیه هر دو فروشنده الزامی نیست.

تضامن خواهان‌ها و خوانندگان غیرمتضامن

گاه ممکن است بین خواهان‌های بلا قوه رابطه تضامن وجود داشته باشد، اما خوانندگان فاقد مسئولیت تضامنی باشند. در این وضعیت، خواهان‌ها می‌توانند به صورت جمعی یا فردی دادخواهی نمایند. اما در مقابل در مورد لزوم یا عدم لزوم دادخواهی ایشان علیه همه خوانندگان، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته نقش تعیین‌کننده دارد. به این معنا که اگر خواسته قابل تجزیه باشند، می‌توان علیه بعضی از آنان دادخواهی کرد و در صورت عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی علیه آنان همه ضروری است و الا قرار عدم استماع دعوا صادر می‌گردد. برای مثلاً اگر در قرارداد بیع یک دستگاه ماشین سواری، رابطه تضامن میان خریداران برای قبض مبیع شرط شده باشد، هر یک از آنان می‌توانند با تقدیم دادخواست به دادگاه صلاح تحویل مبیع را درخواست کنند. در عین حال نظر به عدم قابلیت تجزیه خواسته (چون اقدام هر فروشنده به تسلیم مبیع تصرف در سهم دیگر شرکا هم هست) لازم است همه فروشندگان به عنوان خواننده به دادرسی فراخوانده شوند و الا ورود در ماهیت دعوا و صدور حکم له یا علیه ایشان ممکن نیست. اما هرگاه فروشندگان مبیع را تحویل خریداران داده و از تنظیم سند به نام ایشان خودداری نمایند و یکی از فروشندگان قبل از دادخواهی خریداران بمیرد و تعیین وراثت وی به آسانی ممکن نباشد، هریک از خریداران یا هر دو می‌توانند علیه سایر فروشندگان دعوی الزام به تنظیم سند رسمی (به نسبت سهم آنان) اقامه نمایند زیرا تنظیم سند، تصرف حقوقی است و تنظیم سند رسمی نسبت به سهم بعضی از فروشندگان با تصرف در سهم سایر شرکا ملازمه ندارد و در نتیجه چون حکمی له یا علیه ایشان صادر نمی‌گردد، حضورشان در دعوا به عنوان خواننده ضرورت ندارد.

۳-۷-عدم تضامن خواهان‌ها و خوانندگان متضامن

فرض دیگر آن است که بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود نداشته اما خوانندگان مسئولیت تضامنی داشته باشند. در این فرض می‌توان علیه همه یا بعضی از خوانندگان تظلم خواهی و تمام (یا بعض) خواسته را از ایشان مطالبه کرد. متقابلاً باید دید دادخواهی جمعی خواهان‌ها ضروری است یا یکی از ایشان می‌تواند به نسبت سهم خود دادخواهی نماید؟ پاسخ به این سؤال هم به قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته بستگی دارد، در صورت قابل تجزیه بودن خواسته، یک خواهان می‌تواند تنها نسبت به سهم خود علیه خواننده یا خوانندگان طرح دعوا نماید. برعکس در فرض عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی جمعی ایشان اجتناب‌ناپذیر است، زیرا دادخواهی او با اتخاذ تصمیم نسبت به سهم دیگر خواهان‌های بلا قوه هم ضرورت دارد. برای مثال اگر در قرارداد بیع مسئولیت تضامنی فروشندگان به تحویل مبیع شرط شده اما تضامن خریداران در قبض مبیع پیش‌بینی نشده باشد، اقامه دعوی الزام به تحویل مبیع علیه هریک از فروشندگان قانوناً فاقد اشکال است. اما نظر به عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی جمعی خریداران ضروری است. زیرا قبض مبیع به وسیله هریک از ایشان با قبض سهم دیگر خریداران ملازمه دارد و در نتیجه اقامه دعوا جمعی به وسیله آنان اجتناب‌ناپذیر است و الا قرار عدم استماع دعوا صادر خواهد شد. برعکس در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی، هر یک از خریداران می‌تواند دعوی الزام به تنظیم سند رسمی را نسبت به سهم خود علیه همه یا بعضی از فروشندگان اقامه نماید، زیرا چنین دعوایی قابل تجزیه است و دادرسی به سود یا زیان دیگر خریداران رأی صادر نمی‌کند (صفیان و مقدادی، ۱۴۰۰: ۲۱۱).

۳-۸-عدم تضامن خواهان‌ها و خوانندگان

سرانجام در بحث تعدد خواهان‌ها و خوانندگان باید فرضی را بررسی نمود که نه بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود دارد و نه برای خوانندگان مسئولیت تضامنی پیش‌بینی شده است. در این صورت قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته، ملاک لزوم یا عدم لزوم دادخواهی جمعی خواهان‌ها علیه همه یا بعضی از خوانندگان است. بر این اساس ممکن است خواسته نسبت به هر دو طرف دعوا (خواهان‌ها و خوانندگان) غیرقابل تجزیه یا قابل تجزیه باشد یا نسبت به یک طرف قابل تجزیه و نسبت به طرف دیگر غیرقابل تجزیه باشد. برای مثال دعوی چند خریدار یک دستگاه اتومبیل سواری علیه چند فروشنده آن برای تحویل مبیع نسبت به طرفین غیرقابل تجزیه است. زیرا اقدام به تحویل مبیع به وسیله هر فروشنده مستلزم تصرف مادی در سهم سایر شرکا هم هست متقابلاً قبض آن به وسیله هر خریدار، منجر به تصرف مادی سهم دیگر خریداران می‌گردد که قانوناً مجاز نیست. در نتیجه همه خریداران باید علیه همه فروشندگان دادخواهی نمایند و الا امکان ورود در ماهیت برای دادرسی وجود ندارد. برعکس دعوی الزام به تنظیم سند رسمی علیه چند فروشنده (خواسته از جانب خوانندگان قابل تجزیه است. زیرا هریک می‌تواند مستقلاً سهم خود را به خریداران منتقل کند) نسبت به هر دو طرف دعوا قابل تجزیه است و هر خریدار می‌تواند علیه همه فروشندگان دعوی الزام به تنظیم سند رسمی

اقامه نموده یا علیه یک فروشنده نسبت به سهم او از ملک موصوف اقامه دعوا نماید. لذا اگر سه فروشنده هر یک ملاک دو دانگ ملکی بوده و جمعاً آن را به دو خریدار فروخته و سهم خریداران برابر باشد، در این صورت یک خریدار می‌تواند علیه سه فروشنده دعوی الزام به تنظیم سند رسمی سه دانگ سهم خود را درخواست کرده یا علیه یک فروشنده دادخواهی کرده و الزام او را به تنظیم سند یک‌دانگ سهم خود مطالبه نماید. اما گاهی ممکن است خواسته تنها نسبت به خواهان‌ها قابل تجزیه باشد. برای مثلاً فرض کنید دو شخص ملاک مالی بوده‌اند که به‌موجب یک قرارداد به چند خریدار انتقال یافته است. هر دو ملاک مدعی فصولی بودن معامله هستند و یکی از آنان دعوی اعلام بطلان معامله فصولی را نسبت به سهم خود علیه خریداران اقامه می‌کند (خواسته از جانب خواهان‌ها، قابل تجزیه است). این دعوا نسبت به خریداران (خواندگان دعوا) غیرقابل تجزیه است زیرا صدور حکم بر صحت یا بطلان معامله مربوط به سهم خواهان، نسبت به همه آنان (خریداران) مؤثر است. در نتیجه دادخواهی علیه همه آنان برای ورود دادرسی به ماهیت دعوا ضروری است. برعکس خواسته از جانب خواهان قابل تجزیه بوده، دادخواهی جمعی آنان ضرورت ندارد، زیرا اعلام بطلان معامله نسبت به سهم یک فروشنده، با اتخاذ تصمیم نسبت به سهم فروشنده دیگر ملازمه ندارد، زیرا حتی بر فرض فصولی بودن معامله نسبت به سهم شریک دیگر، ممکن است او معامله را تنفیذ کرده یا در آینده آن را تنفیذ نماید. همچنین در مواردی ممکن است خواسته از جانب خواندگان قابل تجزیه و نسبت به خواهان‌ها غیرقابل تجزیه باشد. برای مثلاً دو شخص سفته‌ای در وجه دو شخص دیگر صادر می‌کنند. در حقوق ایران مطابق نظر غالب دکترین مسئولیت صادرکننده‌ها نسبی است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۰). در نتیجه می‌توان به نسبت سهم هر صادرکننده علیه او دادخواهی نمود و حضور هر دو به‌عنوان خواننده در دادرسی ضرورت ندارد (البته هر عاقلی ترجیح می‌دهد در یک دعوا علیه هر دو دادخواهی نماید اما ممکن است یکی از آنان از دنیا رفته و شناسایی وراثت او به‌سادگی امکان‌پذیر نباشد). اما در مقابل برابر برخی نظرات، دارندگان باید به‌صورت جمعی علیه صادرکننده یا صادرکنندگان دادخواهی نمایند، زیرا هر بخش از طلب که وصول شود، مال مشاع بوده و متعلق به هر دوی ایشان است (کاویانی، ۱۳۸۷: ۱۶).

۳-۹- تجزیه دعوی به چند دعوی با توجه به تعدد خواهان‌ها یا خواندگان

ممکن است تعداد خواهان‌ها یا خواندگان در یک دعوی بیش از یک نفر باشد، در این صورت تجزیه یک دعوی به چند دعوی امکان‌پذیر است. البته به شرطی که دعوی قابل تجزیه باشد. در حقوق فرانسه در مواردی که تعداد اصحاب دعوی بیش از یک نفر باشد، اصل را بر تجزیه‌پذیری و استقلال اصحاب دعوی می‌دانند گاهی این امر را اصل تجزیه دعوی نسبت به طرفین دعوی می‌نامند، دو تن از نویسندگان حقوقی فرانسه در این مورد می‌نویسند اطراف دعوا باهم مساوی هستند، همچنین آن‌ها علیرغم تعدادشان مستقل از همدیگر می‌باشند، علی‌الاصول قانون این امر را با تعدیلاتی پذیرفته است.

ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در فرضی که اصحاب دعوی متعدد باشند، مقرر می‌دارد: هنگامی که خواهان و خوانده چند نفر می‌باشند، هریک از آنها دارای حقوق و تکالیف خاص خود در دادرسی هستند ماده ۳۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد: در صورت تعدد اصحاب دعوی اقدامات انجام‌شده توسط هرکدام نسبت به دیگران به جزء موارد مذکور در مواد ۴۷۵، ۵۲۹، ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۶۱۵ اثری ندارد. حقوقدانان فرانسه از این دو ماده دو اصل استخراج نموده‌اند، اصل اول، اصل نسبی بودن دعوی و اصل نسبی بودن اعمال دادرسی مدنی، نتیجه اصل اول آن است که اثر هر دعوایی تنها به شخصی که آن را اقامه کرده برمی‌گردد و تنها در حق خوانده آن دعوی اثر می‌کند و نتیجه اصل دوم اینکه در صورت تعدد اطراف دعوی، آنها از همدیگر مستقل می‌باشند. نخستین اثر استقلال اطراف دعوی، امکان تجزیه دعوی بین آنها است. در فرضی که موضوع دعوی غیرقابل تجزیه باشد، مثل موردی که خواسته اعلام بطلان، اقاله، تأیید فسخ قرارداد و امثالهم باشد. در اجرا نیز همین‌گونه است و محکومبه بین محکوم علیه با توجه به میزان محکومیت آنها تجزیه و همچنین سهم هریک از محکوم‌لهم (در صورت تعدد)، بین آنها تقسیم می‌گردد، مگر در فرضی که محکوم به قابل تجزیه نباشد در حقوق ایران به تجزیه دعوی به چند دعوی در فرض تعدد خواهان یا خواندگان یا تعدد هردو به صراحت اشاره‌ای نشده و حقوقدانان به آن نپرداخته‌اند. با وجود این همان‌گونه که اشاره شد از مواد مختلفی از جمله مواد ۳۰۴، ۱۷۱، ۱۰۵ و سایر مواد قابل استنباط است.

۳-۱۰- استرداد در صورت تعدد خواندگان

باید به این نکته توجه کرد که در صورت تعدد خواندگان، استرداد دادخواست مشمول احکام و آثار استرداد دعوا است؛ یعنی در دعاوی قابل تجزیه، ممکن است دادخواست نسبت به بعضی خواندگان مسترد شود که در این صورت دادخواست نسبت به آنها ابطال می‌شود و نسبت به سایرین مراحل قانونی خود را طی می‌کند. این در حالی است که در دعاوی غیرقابل تجزیه، استرداد دادخواست نسبت به بعضی از خواندگان علی‌القاعده نباید شنیده شود (صفیان و مقدادی، ۱۴۰۰: ۲۱۲).

نتیجه‌گیری

در صورت تعدد خواهان، لزوم یا عدم لزوم دادخواهی همه خواهان‌ها علیه همه خواندگان و امکان یا عدم امکان قانونی دادخواهی بعضی از خواهان‌ها علیه بعضی از خواندگان، مسائل جالب و دقیقی را پیش می‌کشد که عدم توجه به آن از سوی خواهان می‌تواند منجر به صدور قرار عدم استماع دعوا گردد. در صورت تعدد خواهان‌ها و وجود رابطه تضامن میان ایشان، دادخواهی جمعی یا فردی ایشان علیه خوانده کاملاً با موازین حقوقی منطب است. اما در فرض تضامن نبودن ایشان، در صورت قابلیت تجزیه خواسته، هریک از خواهان‌ها می‌تواند در مورد سهم خود دادخواهی کند. برعکس در فرض عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی انفرادی ممکن نیست و لازم است آنان جمعاً اقامه دعوا نمایند. هرگاه خواهان‌های متعدد درصدد اقامه دعوا علیه خوانده یا خواندگان مشترک باشند و در عین حال دارای مسائل مشترک حکمی یا موضوعی باشند، بدون اینکه

ارتباطی خاص بین خواهان‌ها وجود داشته باشد، در نظام دادرسی مدنی ایران مجوزی برای تجمیع دعاوی خواهان می‌توانند یک دادخواست وجود ندارد. درحالی‌که تجویز قانونی چنین فرایندی صرفه‌جویی در منابع، حفن اعتبار دستگاه قضایی از طری صدور احکام یکسان در دعاوی مشابه و کاهش حجم دعاوی را در پی داشته باشد، بدون اینکه فاسدی بر آن مترتب باشد. لذا به نظر می‌رسد که همانند ماده ۳۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری باید در اصلاحات آتی قانون آیین دادرسی مدنی، وجود چنین نهادی پیش‌بینی گردد. در فرض تعدد خواندگان و مسئولیت تضامنی ایشان، خواهان می‌تواند علیه تمام یا برخی از آنان دادخواهی نموده، محکومیت ایشان را از دادگاه درخواست کند. اما در فرض متضامن نبودن ایشان، هرگاه خواسته قابل تجزیه نباشد، خواهان باید همه آنان را طرف دعوا قرار دهد و آلا دادرسی بدون ورود در ماهیت دعوا، قرار رد یا عدم استماع دعوا را صادر خواهد نمود. برعکس در صورت قابلیت تجزیه خواسته، خواهان می‌تواند علیه هر خواننده به نسبت سهمش منفرداً دادخواهی کند. در صورت تعدد هر دو طرف دعوا، هرگاه بین خواهانه رابطه تضامن وجود داشته، خواندگان هم متضامناً مسئول باشند، دادخواهی همه یا برخی از خواهان‌ها علیه همه یا برخی از خواندگان قانوناً بلامانع است. در راستای نتایج این تحقیق پیشنهادهایی به‌قرار زیر می‌توان ارائه نمود:

- با توجه به موارد فراوان رایج در دادگاه‌های ایران، به نظر می‌رسد پیش‌بینی دعاوی عرضی می‌تواند با حل و فصل هم‌زمان دعاوی عرضی میان خواهان‌ها یا خواندگان، علاوه بر پیشگیری از صدور آرای معارض و کاستن از بار کاری دادگستری، به حفظ منابع افراد و جامعه کمک کند.

- پیشگیری از صدور آرای معارض، کاستن از تعداد دعاوی و نتیجتاً صرفه‌جویی در هزینه‌ها و رعایت مصالح افراد و جامعه، ایجاب می‌کند راهکارهای قانونی مناسبی برای تجمیع دعاوی و افراد در یک دادرسی اندیشیده شود.

- نشانی از نهاد دعاوی عرضی که به یکی از دو یا چند خواهان یا خواننده یک دعوا اجازه دهد، علیه خواهان یا خواننده دیگر دادخواهی کند، در این نظام حقوقی وجود ندارد.

- دادرسی منظم، سریع و عادلانه مستلزم این است که نوع تصمیم قاضی، اعم از حکم یا قرار، در مورد کلیه موارد لازم پیش‌بینی شود تا تصمیم قضات قابل نظارت و همچنین پذیرش آن برای اطراف دعوی آسان‌تر باشد.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۴). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک، چاپ نهم، تهران، سمت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۷۶). شرح لمعه. ترجمه: علی شیروانی. تهران: نشر دارالعلم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۹). سقوط تعهدات، چاپ چهارم، نشر حقوقدان، تهران.
- صفیان، سعید و مقدادی، محمدمهدی (۱۴۰۰). اصل اختیار خواهان در تعیین عنوان دعوای مدنی. مجله حقوقی دادگستری، ۱۱۳. ۲۰۷-۲۳۳.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، تهران، میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). نظریه عمومی تعهدات، چاپ دوم، تهران، دادگستر
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران، دادگستر
- محقق حلی (۱۳۶۱). شرایع الاسلام. (مع تعلیقات صادق شیرازی). چاپ سوم. تهران: انتشارات استقلال.

شماره ۵۲

دوره ۱۲

سال پنجم،

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۲۰

Regulations Governing Joinder of Plaintiffs in Civil Litigation

Fatemeh Hatami^۳, Ali Taghipourian Gilani^۴

شماره ۵۲

دوره ۱۲

سال پنجم،

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۲۰

Abstract

This research is conducted with the aim of examining the regulations governing the joinder of plaintiffs in civil litigation. The method used in this study is descriptive-analytical. In this research, data analysis has been carried out theoretically and by using legal texts, comparably. The findings indicate that in the assumption of the plurality of potential plaintiffs, subtle issues from the perspective of procedural law can be raised, which may challenge the legal nature of the lawsuit. In the assumption of a solidarity relationship among the plaintiffs, each of them can individually sue the defendant. In the absence of a solidarity relationship, the feasibility or infeasibility of separating the claims determines the possibility or impossibility of individual lawsuits by the plaintiffs and is the criterion for the entry or non-entry of the court into the nature of the lawsuit. In Iranian law, multiple individuals with similar or common substantive and procedural issues cannot collectively sue a common defendant. However, in American law, such a mechanism called joinder of parties, whether voluntary or compulsory, has been envisaged. The absence of such an institution in Iranian law leads to inefficiency, waste of resources, and sometimes tarnishing the credibility of the judicial system. In the assumption of multiple defendants and their joint liability, the plaintiff can sue all or some of them. However, in the absence of joint liability, the feasibility or infeasibility of separating the claims becomes the criterion for the permissibility or non-permissibility of suing some of the defendants. Also, when there are multiple plaintiffs and defendants in a potential lawsuit, depending on the solidarity relationship among the plaintiffs and defendants and the absence of solidarity among them, and the feasibility or infeasibility of separating the claims, various assumptions can be drawn, which will be subject to different legal provisions.

Keywords: Joinder of Plaintiffs, Civil Litigation, Iranian Law.

³ Master's degree in private law, Islamic Azad University, Ayatollah Amoly branch, Amol, Iran (Corresponding Author)

⁴ Department of Law, Nowshahr Branch, Islamic Azad University, Nowshahr, Iran